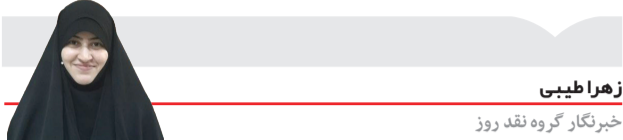




درباره زخم حقوق بیش از ۴۰۰ میلیونی

هیولای فیش های نجومی چطور بیرون زد



زهرا طیبی

خبرنگار گروه نقد روز

روز شنبه بود که خبر برکناری معاون صندوق ذخیره فرهنگیان به خاطر اضافه کاری نجومی -که دریافت کرده بود- منتشر شد. باقرنژاد، معاون سابق صندوق ذخیره فرهنگیان برای ۱۱ ماه اضافه کاری ۴۱۲ میلیون تومان دریافتی داشته است. این البته اولین باری نبود که اخباری از فیش های نجومی کارکنان دولت منتشر می شد. قصه انتشار فیش های نجومی مدیران به اوایل سال ۹۵ برمی گردد، وقتی گفته شد سه مدیر ارشد بیمه مرکزی در اسفند ۹۴ مجموعاً ۱۸۰ میلیون تومان حقوق و مزایا دریافت کرده اند. انتشار این ارقام در حالی بود که کمترین میزان حقوق در آن زمان ۸۱۰ هزار تومان بود، طبیعی بود که انتشار این ارقام ضربه ای جدی به اعتماد عمومی خواهد زد. در میان تایید و تکذیبها و قانونی یا غیرقانونی بودن این حقوق ها و واکنش منفی جامعه به این دریافتی ها، نهایتاً رئیس وقت بیمه مرکزی استعفا کرد.

این اما پایان ماجرای فیش های نجومی نبود و بعد از این حقوق های نجومی چند مدیرعامل بانک نیز رسانه های شد. در میان دومینوی انتشار فیش های حقوقی، اما انتشار فیش حقوقی صفدر حسینی، رئیس صندوق توسعه ملی ایران که جمعا در سال ۹۴، ۶۸۶ میلیون تومان دریافتی داشته، با واکنش های منفی بیشتری همراه و منجر به استعفا او شد. اگرچه انتشار فیش های نجومی با واکنش های منفی زیادی در افکار عمومی همراه شد، اما نهایتاً به استعفای مدیران مربوط ختم شد و خبری از برخورد با این مدیران با بازگرداندن این مبالغ نبود، موضوعی که باعث شد ماجرای فیش های نجومی مدیران برای افکار عمومی همچنان یک موضوع حل نشده باقی بماند. این افشاگری ها البته در سال های اخیر همچنان ادامه داشته و در آخرین مورد دریافتی نجومی معاون صندوق ذخیره فرهنگیان رسانه ای شده است.

زخم چندساله صندوق ذخیره فرهنگیان دهان باز کرد

انتشار خبر دریافتی نجومی معاون صندوق ذخیره فرهنگیان، درحالی اتفاق افتاد که پیش از این تخلفات و اختلاس ها در این صندوق با جنجال های زیادی همراه شده بود و فسادها باعث آغاز تحقیق و تفحص از صندوق ذخیره فرهنگیان در مهر سال ۹۵ شد، مشخص شد در این صندوق نزدیک به ۱۵ هزار میلیارد تومان تخلف مالی صورت گرفته است. یکسال بعد از افشای پرونده فساد صندوق ذخیره فرهنگیان یکی از متهمان این پرونده با ۵۰۰ میلیارد بدهی از ایران خارج شد. نکته مغفول در این میان اما پرداخت نشدن حق و حقوق معلمان بود که هنوز با چالش هایی همراه است. مدیرعامل صندوق ذخیره فرهنگیان، اخیراً به پرداخت نشدن برخی از حقوق اعضای صندوق اشاره کرده و گفته است: «در سال های گذشته به ۱٫۵ میلیون نفر عضو صندوق گفته شد، علاوه بر اینکه در زمان بازنشستگی مبلغی را دریافت می کنید، باید ارزش افزوده دارایی های صندوق نیز محاسبه و به شما داده شود. به این تکلیف قانونی در سال های گذشته عمل نشد.» قصه برعکس پرداخت نشدن حق و حقوق معلمان از صندوق ذخیره فرهنگیان درحالی همچنان مورد توجه قرار دارد که خبر دریافتی نجومی معاون این صندوق زخم تازه ای بر این ماجراست و در شرایطی که بسیاری از فرهنگیان برای دریافت حق و حقوق خود با مشکل و امروز و فردای مسئولان مواجه هستند، گفته می شود معاون این صندوق تنها برای ۱۱ ماه اضافه کاری ۴۱۲ میلیون تومان دریافتی داشته است. نتیجه عینی دریافتی های اینچنینی ضربه ای کاری به افکار عمومی است و اگرچه معاون این صندوق برکنار شد، اما همچنان این سوال برای افکار عمومی و به ویژه فرهنگیان بی پاسخ باقی مانده که در قبال دریافتی نجومی معاون صندوق، مانند دیگر دریافتی های نجومی

در سال های گذشته، تنها به برکناری آن مسئول اکتفا شده یا خبری از مجازات آن فرد و بازگرداندن مبالغ نیز خواهد بود؟

جای خالی انتشار حقوق کارکنان در سامانه پاکنا

به نظر می رسد انتشار چند وقت یکبار فیش های نجومی در رسانه ها درحال تبدیل شدن به روالی عادی است، امری که هر بار ضربه قابل توجهی به اعتماد عمومی وارد می کند و درحالی که برخورد جدی نیز با تخلفات قبلی صورت نگرفته، فیش حقوقی دیگری منتشر می شود. با در نظر گرفتن این موارد نمی توان این گزاره را دور از انتظار دانست که افکار عمومی این دریافتی های نجومی را به تمام مسئولان و مدیران نسبت داده و طبعاً جوی از بی اعتمادی نسبت آنها در میان مردم ایجاد شود. وقتی انتشار چند وقت یکبار این فیش های نجومی جو منفی را در جامعه ایجاد می کند و در مواردی نیز اطلاعات درست و غلط در این مورد منتشر می شود و روی اعصاب مخاطب می رود، جای خالی یک سازوکار جدی برای جلوگیری از وقوع چنین تخلفاتی و برخورد جدی در صورت اتفاق افتادن آن همچنان احساس می شود. در این مورد و در ماجرای انتشار فیش های نجومی، مجلس دهم در جریان بررسی و تصویب لایحه برنامه ششم توسعه، دولت را مکلف کرد تا با راه اندازی سامانه ای، حقوق و مزایای پرداختی به کارکنان دولت را به طور شفاف اعلام کند. در ماده ۲۹ این قانون آمده بود: «دولت مکلف است طی سال اول اجرای قانون برنامه نسبت به راه اندازی سامانه ای جهت حقوق و مزایا اقدام کند... . به نحوی که میزان ناخالص پرداختی به هر یک از افراد فوق مشخص و امکان دسترسی برای نهادهای نظارتی و عموم مردم فراهم شود.» این قانون البته تا سال آخر اجرای برنامه ششم توسط دولت روحانی چندان مورد توجه قرار نگرفت و اگرچه سامانه ای به نام «پاکنا» برای انجام این امور راه اندازی شد، اما خبری از انتشار جزئی حقوق و مزایای کارکنان نبود.

دولت سیزدهم اگرچه در ابتدای امر با جدیت برای درج اطلاعات وارد شد اما تاکنون نه تنها اطلاعاتی از حقوق و مزایای کارکنان منتشر نشده، بلکه این سایت از سال ۱۴۰۰ تاکنون به روزرسانی هم نشده است. نکته قابل توجه اما اینجاست که راه جلوگیری از دریافت نجومی این حقوق ها و جلوگیری از تحت تاثیر قرار گرفتن افکار عمومی با اخبار بعضاً درست و غلطی که در این رابطه منتشر می شود، شفاف کردن دریافتی ها و مزایای کارکنان است که البته این امر را نمی توان تنها محدود به دولت دانست و باید شفاف سازی دریافتی سایر دستگاه ها از جمله نمایندگان مجلس مورد توجه قرار بگیرد. از طرفی نیز در صورت علنی شدن این دریافت های نجومی مشخص است که آنچه می تواند اعتماد کم رنگ شده افکار عمومی را باز گرداند، برخورد جدی با این اقدامات است و اگرچه برکناری مدیران یا کارکنانی که این دریافتی ها را داشتند، امری لازم است اما کافی به نظر نمی رسد و همچنان این سوال وجود دارد که مبالغ دریافتی توسط این مدیر به بیت المال باز می گردد یا مجازاتی متوجه این فرد خواهد بود؟

این قصه ادامه دارد؟

در ماجرای انتشار دریافتی نجومی معاون صندوق ذخیره فرهنگیان یک نکته مورد توجه قرار دارد؛ اینکه در شرایطی که دولت عموماً



درباره «آزادی تهمت به مخالفان»

و کسانی که کاش حرف نزنند

بی عقلی آزاد نیست



علی مزروعی

خبرنگار گروه نقد روز

اگر صفحات برخی رسانه ها را باز کنید و کمی محتوای آن را مرور کنید یا نمونه های متعددی از اخباری مواجه می شوید که در آن به اظهارات عجیب و غریب برخی مسئولان و چهره ها پرداخته شده است. در صورت خالی بودن جای اظهارات مسئولان نیز یک چهره ناشناخته چنین نقشی ایفا کرده و اظهارات خلاف واقع او موضوعیت می یابد. پنجشنبه هفته گذشته نیز اظهارات یک روحانی درحالی که تهمت زدن به مخالفان ولایت فقیه را مجاز دانسته بود حاشیه ساز شد: «کسی که کتبا، زباناً و عملاً با فقیه حاکم مخالفت کند فاسق است و کارهایی که نکرده راه می شود به او نسبت داد و در جامعه پخش کرد. یعنی هیچ حرمتی ندارد.» او در ادامه اظهاراتش را این گونه توجیه می کند: «اینقدر حکومت اسلامی مهم است. وقتی می گویم حفظ نظام واجب و اجابت است اولین و مهم ترین معروف خدا! ایجاد و حفظ حکومت اسلامی است.» اگرچه اظهارات یک روحانی ناشناخته نباید موضوعیت داشته باشد اما از آنجایی که این اظهارات در فضای رسانه ای بازتاب داده شده و تعبیر غلطی از شیوه مواجهه با مخالف ارائه داده است لازم است تا ضمن نقد اظهارات وی تعبیر ناب در مورد مواجهه با مخالف نیز از زبان افرادی که مرجعیت دینی دارند بازخوانی شود.

مدافعان ولایت فقیه آموزه های خود

ولایت فقیه را مرور کنند

فرد ملبس به جامه روحانیت درحالی به بهانه دفاع

از ولی فقیه هتک حرمت مخالفان را جایز شمرده و آنها را فاسق نامیده است که مشی خود امانین انقلاب حتی در مورد فاسقان خلاف این رویه بوده و بارها بر رعایت ادب در مواجهه با مخالفان تاکید کرده اند. رهبر انقلاب سال ۹۴ در دیدار با ائمه جمعه در مورد رعایت حق مخالفان بیان می کنند: «فرض کنید شما با یکی مخالفید، می خواهید راجع به او حرف بزنید، دو جور می شود حرف زد: یک جور می شود هتک آنه و بی باکانه و بی ادبانه حرف زد؛ یک جور هم می شود مودب حرف زد. شما ببینید در قرآن کریم در بسیاری از موارد وقتی صحبت از فاسقین است، صحبت از کافرین است، صحبت از بدهای اشرار عالم است، می فرماید: وَ لَکِنْ أَکْثَرُهُمْ لَا یَعْلَمُونَ. نمی گوید همه آنها؛ ملاحظه می کنید؛ با لآخره یک اقلی هستند بین همین ها که اینها تعقل دارند؛ قرآن کریم ملاحظه حق آنها را می کند و «اکثرهم» می فرماید.»

امام خمینی (ره) نیز تهمت زدن به مخالف و تضييع حق وی را این گونه نهی می کنند: «در مورد یک آدم ولو آنکه مخالف چیزی باشد حق امانت نیست. حق آن است که جزایش داده شود، امانت چرا به او کنیم. تعرض به خانواده او نباید باشد. ما می خواهیم اسلام باشد... نباید ما همی کلمه انقلاب را بگذاریم و بگوییم هرکاری کردیم انقلاب است. مگر اسلام عوض می شود در انقلاب. اسلام همان اسلام است. شما می گوید می خواهید اسلام و احکام آن را پیاده کنید، باید با تمام احتیاطات و دقت های لازم امور مورد بررسی قرار گیرد.»

این موارد گوشه ای از آموزه های اخلاقی و تربیتی

کسانی است که به عنوان ولی فقیه در جامعه اسلامی ایفای نقش کرده اند و اگر کسی خود را تابع و مدافع ولی فقیه می داند منطقی باید به مشی اخلاقی و رفتاری آنها نیز پایبند باشد نه اینکه خود تبدیل به کاسه داغ تر از آش شده و با جایز توصیف کردن هتک حرمت به مخالفان احکام و جامعه اسلامی را در معرض اتهام قرار دهد. در غیر این صورت منطق و چه بسا نیت فرد مدافع است که زیر سوال می رود.

دوستان نادان پیش برنده سناریوهای غربی برای تجزیه ایران

فرد روحانی در صحبت های خود هتک حرمت مخالفان ولایت فقیه را جایز شمرده و برای توجیه حرف خود حفظ نظام را بهانه می کند و توجیه ندارد که صحبت های او پیش از آنکه به حفظ نظام کمک کند حیثیت نظام اسلامی را خدشه دار می کند. در شرایطی که براندازان و دولت های غربی متحد با آنها سال ها ست از درگیری مستقیم با ایران ناامید شده و امید به تضعیف کشور از طریق شکاف اجتماعی و ایجاد نزاع های داخلی بسته اند تا ایران را نیز همچون سوریه بساداعش به تلی از خاک تبدیل کنند دلسوزان داخلی باید مراقب باشند که در دام این طراحی نیفتاده و پازل اختلاف افکنی را تکمیل نکنند. اظهاراتی نظیر آنچه از جانب این روحانی مطرح شده بیش از آنکه به قول خودش به حفظ نظام کمک کند به پیشبرد سناریوی غربی ها برای تجزیه خاک و جامعه ایرانی کمک می کند. برای برنده تر شدن قیچی دولت های غربی و تکه تکه کردن نقشه جغرافیایی ایران کلمات تیز یک مدافع نادان همانقدر و

چه بسا بیشتر از تیغ یک فرد آشوب طلب که کمر به قتل حافظان امنیت کشور بسته کارایی دارد. برای اینکه تیغ این قیچی از کار بیفتد باید نفری که باید مورد حمله قرار گیرد خود اوست چراکه زیانا با اظهارات ولی فقیه مخالفت کرده است. مشی غلطی که این روحانی در پیش گرفته در عالم سیاست توسط بسیاری از افراد به کار گرفته می شود؛ افرادی که خود را معیار حق دانسته و با نیت های خالصانه و غیر خالصانه به سراغ قضاوت و برچسب زنی به افراد می روند.

اظهارات یک روحانی ناشناخته موضوعیت ندارد

زمانی که یک مقام مسئول یا یک چهره مشهور اظهاراتی را مطرح می کند به واسطه بازتاب اجتماعی که این اظهارات دارد پرداخت انتقاداتی به آن نیز الزامی می شود. اما چنین اصلی در مورد افرادی که در فضای اجتماعی موضوعیت ندارند صدق نمی کند. زمانی که فردی عادی حرفی غیرمنطقی مطرح می کند لزومی ندارد در فضای رسانه ای به اظهارات او پرداخته شود. ممکن است روزانه ده ها شخصیت ناشناخته و کمتر شناخته شده در گوشه و کنار کشور اظهارات عجیب و غریب مطرح کنند اما لزومی ندارد صحبت های غلط آنها را بازتاب کرد. اما برخی رسانه ها با منتشر کردن این گونه اظهارات از افرادی که هیچ گونه مرجعیتی ندارند تصویری غلط از جامعه روحانیت و احکام اسلامی ارائه می دهند. حال آنکه اگر قرار است این احکام مورد قضاوت قرار گیرد باید به نظر مراجع اصلی آن رجوع کرد.

حتماً ضد ولایت فقیه را هم شما تعیین می کنید

علاوه بر جایزه بودن هتک حرمت مخالفان که امامین انقلاب آن را خلاف حق دانسته اند یک گزاره غلط دیگر نیز در اظهارات این روحانی وجود دارد. او در اظهاراتش بدون اینکه حد و حدودی مشخص کند می گوید: «کسی که کتبا، زباناً و عملاً با فقیه حاکم مخالفت کند فاسق است.» یا شنیدن این اظهارات سوالات مهمی به وجود می آید. اساساً چه کسی تعیین می کند کدام نوشته و عمل خلاف مشی رهبری است؟ آیا هر اختلاف نظری به معنی ضدیت با ولایت فقیه است؟ آیا کسی که اظهارات خودش کاملاً برخلاف مشی اخلاقی ولی فقیه

است می تواند مخالفان ولی فقیه را هم تعیین کند؟ اگر قرار باشد بنا به توصیه این روحانی هر کسی که مخالف ولی فقیه است هتک حرمت شود پس اولین نفری که باید مورد حمله قرار گیرد خود اوست چراکه زیانا با اظهارات ولی فقیه مخالفت کرده است. مشی غلطی که این روحانی در پیش گرفته در عالم سیاست توسط بسیاری از افراد به کار گرفته می شود؛ افرادی که خود را معیار حق دانسته و با نیت های خالصانه و غیر خالصانه به سراغ قضاوت و برچسب زنی به افراد می روند.

اظهارات یک روحانی ناشناخته موضوعیت ندارد

زمانی که یک مقام مسئول یا یک چهره مشهور اظهاراتی را مطرح می کند به واسطه بازتاب اجتماعی که این اظهارات دارد پرداخت انتقاداتی به آن نیز الزامی می شود. اما چنین اصلی در مورد افرادی که در فضای اجتماعی موضوعیت ندارند صدق نمی کند. زمانی که فردی عادی حرفی غیرمنطقی مطرح می کند لزومی ندارد در فضای رسانه ای به اظهارات او پرداخته شود. ممکن است روزانه ده ها شخصیت ناشناخته و کمتر شناخته شده در گوشه و کنار کشور اظهارات عجیب و غریب مطرح کنند اما لزومی ندارد صحبت های غلط آنها را بازتاب کرد. اما برخی رسانه ها با منتشر کردن این گونه اظهارات از افرادی که هیچ گونه مرجعیتی ندارند تصویری غلط از جامعه روحانیت و احکام اسلامی ارائه می دهند. حال آنکه اگر قرار است این احکام مورد قضاوت قرار گیرد باید به نظر مراجع اصلی آن رجوع کرد.